

دین‌گریزی

عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن

محمد بهرامی

تبیین پیشینه، عوامل و راهکارهای مبارزه و کاهش دین‌گریزی از نگاه قرآن موضوع این مقاله است.

نویسنده، دین را از نگاه قرآن، مجموعه‌ای از باورها و رفتارها با محوریت یک موجود برتر تعریف کرده و پس از اشاره به پیشینه دین‌گریزی، عوامل این دین‌گریزی را مانند محیط، دوستان و مربیان، فشار خشونت، ناکارآمد دیدن دین، شک و تردید، ناسازگاری با عقل، ناسازگاری با علم، فقر، روان‌پریشی، سخنگویان دین، خواسته‌های نفسانی، تهاجم دینی و گسترده‌گی شریعت، با استناد به آیات قرآن به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. سپس به راه‌حل‌های دین‌گریزی پرداخته و مرحله اول را پیشگیری معرفی کرده و در این مرحله سه راهکار زیر را پیشنهاد کرده است:

۱- معرفی شایسته و بایسته دین با طرح خردمندانه دین، آرامش بخشی دین و طرح سازگاری دین و علم.

۳- انسان‌سازی.

راهکارهای مرحله درمان، دین‌گریزی را بسته به عوامل آن متفاوت دانسته و بر درمان خاص برای هر شکل دین‌گریزی تأکید کرده و در ادامه، برای تک‌تک عوامل دین‌گریزی، راهکارهای درمانی متناسب با آن پیشنهاد کرده است. کلید واژه‌ها:

دین‌گریزی / دین‌گریزی در قرآن / معنی‌شناسی دین / پیشینه دین‌گریزی / عوامل دین‌گریزی / پیشگیری از دین‌گریزی / درمان دین‌گریزی / آسیب‌های اجتماعی / جامعه‌شناسی قرآن / دین‌شناسی قرآن / مبارزه با دین‌گریزی.

مقایسه دین‌گریزی به مثابه یک آسیب اجتماعی با دیگر آسیب‌های اجتماعی اهمیت درخور توجه این آسیب و نقش ویژه آن در پدیداری دیگر آسیب‌های اجتماعی را به اثبات می‌رساند؛ به گونه‌ای که فزونی و کاستی دین‌گریزی، افزایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. افزایش دین‌گریزی، بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد، فساد و بزه‌کاری را در پی دارد و کاهش آن از آمار این گونه آسیب‌ها می‌کاهد.

نقش دینداری و دین‌گریزی در دیگر آسیب‌های اجتماعی از دید جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز پنهان نمانده است؛ آنها به قدرت بازدارندگی دین در برابر هنجار شکنی و آسیب‌رسانی اعتراف دارند و دین را عامل مهمی در برقراری زندگی سالم اجتماعی می‌دانند. گوستاو یونگ دین را مانند گرسنگی و ترس از مرگ، واقعی می‌خواند و نبود روحیه دینی در انسان را عامل بروز اختلالات و تشویش‌های روانی معرفی می‌کند،^۱ و کابریل تارد از سرنوشت انسان‌ها در جامعه‌ای که دین در آن حضور ندارد و توان ایستادگی آنها در برابر خواسته‌های مخرب بدون حضور دین احساس نگرانی می‌کند.^۲

افزون بر این، تجربه و پژوهش‌های جدید نیز نشان از گرفتاری کمتر دینداران به هنجارشکنی و بزهکاری دارد:

«جوانان کاتولیک که از دامن مادران مستغرق در مذهب برخاسته‌اند نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز بوده‌اند؛ در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به طور نامنظم به کلیسا می‌رفتند با اصولاً به کلیسای نسبت بالاتری را دارا بودند.»^۳

بنابراین دین‌گریزی به عنوان یک آسیب اجتماعی شایسته بحث و بررسی است. در این بررسی نخست معنی‌شناسی دین انجام می‌شود، و آن‌گاه پیشینه، عوامل و راهکارهای رودر رویی با این آسیب اجتماعی بیان گردد.

معنی‌شناسی دین در قرآن

در مجموعه آیاتی که دین و مشتقات آن را در خود جای داده است، جزا، طاعت، باور، اسلام، آخرت و... در شمار معانی دین قرار گرفته است.

این معانی چند گانه با ارجاع برخی به بعضی و ادغام تعدادی در یکدیگر، به دو معنی تقلیل می یابد:

۱. قیامت یا آخرت؛ مانند:
- «وإنّ علیک لعنتی الی یوم الدین»
 «وقالوا یا ویلنا هذا یوم الدین»
 «والذین یصنّون بیوم الدین»
- ص / ۷۸
 صافات / ۲۰
 معارج / ۲۶

۲. مجموعه ای از باورها، رفتارها و مناسک

این مفهوم از دین به گروه، ملت، باورها و رفتارهایی ویژه وابسته نیست. در نگاه قرآن، مشرکان در شمار دینداران هستند؛ چنان که یهودیان نیز با باورها و رفتارهایی متفاوت دیندار شناخته می شوند و هر دو گروه حساسیت های خاص خود را دارند، از سرنوشت دین خود می هراسند و به سختی از آن دفاع می کنند:

- «لکم دینکم ولی دین»
 «إنّ الذین فرّقوا دینهم»
 «إتی أخاف أن یدلّ دینکم»
 «لا تؤمنوا إلا لمن تبع دینکم»
- کافرون / ۶
 انعام / ۱۵۹
 مؤمن / ۲۶
 آل عمران / ۷۳

قابلیت اطلاق دین بر باورها و رفتارهای گوناگون، ادیان را به الهی و غیر الهی

تقسیم می کند:

- «أفغیر دین الله بیغون»
- آل عمران / ۸۳

همچنین نظر داشت این باورها و مناسک گوناگون «وابستگی به یک موجود برتر» را هسته اصلی دین نشان می دهد. مشرکان با وجود تفاوت های بسیار رفتاری و اعتقادی با دیگر دینداران به یک موجود برتر وابستگی نشان می دهند.

هرچند در آیات قرآن دین به الهی و غیر الهی تقسیم می شود؛ اما دینی که به حق و قیّم توصیف شده و خواست ابراهیم، یعقوب، یوسف، نوح و محمد (ص) دانسته شده تنها دین اسلام است و دیگر ادیان چنین ویژگی هایی ندارند.

نتیجه: دین به معنای مجموعه ای از باورها و رفتارها با محوریت یک موجود برتر است و دین گریزی به معنای فرار برخی دینداران از دین خویش. بنابراین می توان مطلق

دین‌گریزی را به بحث و بررسی نشست؛ چنان‌که می‌توان یک دین خاص مانند اسلام را محور بحث قرار داد و از گریز عده‌ای از مسلمانان از اسلام و عوامل این گریز و راه حل‌های رودر رویی با این گریز بحث کرد.

پیشینه دین‌گریزی

دین‌گریزی به بلندای عمر دین پیشینه دارد. از زمان پیدایش نخستین دین، برخی دین را برننافتند و گروهی سر بر آستان آن نهادند، اما پس از چندی از آن گریختند. این گریز و عوامل آن در گذشته تاریخ بسیار محدود و انگشت شمار بود، هم دین‌گريزان در اقلیت بودند و هم عوامل دین‌گریزی در شمار قرار نمی‌گرفت. نگاهی به تاریخ پر از فراز و نشیب به دین‌نشان می‌دهد دین‌باوری به تقلیل می‌رود و دین‌گریزی رشد می‌کند، تا آنجا که در چند سده اخیر دین‌گریزی سرعت چشمگیری یافته، اروپای مسیحی غیرمسیحی می‌نماید، دین بر شئون زندگی اروپاییان حاکم نیست، دین‌تافته‌ای جدا بافته از دیگر نهادهای اجتماعی لحاظ نمی‌شود، و بسیاری از دول اروپایی تاب تحمل وجود واژه دین را در قانون اساسی اروپای متحد ندارند و خواهان حذف این واژه هستند.

دین‌گریزی در آیات قرآن نیز پیشینه‌ای بلند و واقعیتهای انکارناپذیر دارد. برای نمونه شماری از یهودیان از دین موسی می‌گریزند و گوساله پرستی پیشه می‌کنند (طه/ ۸۵-۸۸). برخی از اهل کتاب با علم به درستی آیات خدا کافر می‌شوند (آل عمران/ ۷۰). و چند نفر از مسلمانان از دین خویش می‌گریزند و به اهل مکه پناه می‌برند (آل عمران/ ۸۶).

عوامل دین‌گریزی

در پرتو مطالعات تطبیقی میان قرآن کریم و دانش جامعه‌شناسی عوامل بسیاری را می‌توان برای دین‌گریزی جست و جو کرد. ما در این میان سیزده مورد را برشمرده‌ایم که از قرار زیرند:

۱. محیط

یکی از عوامل مهم دین‌گریزی، محیط خانوادگی، کاری، اجتماعی و فرهنگی

می تواند باشد. نشانگر این تأثیر و تأثر، پیدایش و رشد دین گریزی در برخی محیط ها و کاهش آن در دیگر محیط ها است. دین گریزان بیشتر به خانواده ها، دانشکده ها و ... خاصی وابسته هستند؛ به گونه ای که شماری از آنها اگر در محیط های متفاوتی قرار گیرند در شمار دین گریزان قرار نمی گیرند.

چنان که محیط ناسالم در این دین گریزی تأثیر گذار است؛ در برناتفتن دین نیز بسیار نقش آفرین است. برای نمونه در برخی از آیات، وابستگی به باورها و عادات پیشینیان عامل اصلی نپذیرفتن دین شمرده شده است.

در تعدادی از این آیات، نقش محیط در گریز از رفتارها و مناسک مطلوب دین دیده می شود. کافران که در محیط فرهنگی و اجتماعی خاصی زیسته اند و آداب و رسوم خاصی یافته اند در برابر فراخوان پیامبران از باورها و عادت های پیشینیان خود سخن می گویند:

«و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا» انبیاء/ ۵۳

«و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا»

مائده/ ۱۰۴

«وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا» اعراف/ ۲۸

این آیه قرینه است که دیگر آیات نیز از تأثیر محیط بر رفتارها می گویند.

در دسته ای دیگر از آیات، تأثیر محیط بر گریز از باورها و عقاید دینی آمده است:

«قالوا أجبنا لتلفتنا عمّا وجدنا عليه آباءنا» یونس/ ۷۸

«فقال الملأ الذين كفروا من قومه ما هذا إلا بشر مثلکم یريد أن یفضل علیکم و

لو شاء الله لأنزل ملائكة ما سمعنا بهذا فی آباءنا الأولین» مؤمنون/ ۲۴

۲. دوستان و مریبان

عامل دیگر دین گریزی، دوستان، مریبان و احبار هستند. نظر سنجی ها از تأثیر شگرف دوستان بر یکدیگر، مریبان بر دانش آموزان و کاهش اعتماد فرزندان به والدین و حرف شنوی از ایشان حکایت دارد. از سویی حدود ۸۰٪ از والدین به نوعی فرزندان خویش را ناسازگار می خوانند. و از سویی دیگر نوجوانان به رفتارها و باورهای والدین خرده می گیرند و حاضر به پیروی از ایشان نیستند.^۴

قوم موسی بیشتر تحت تأثیر سامری قرار گرفتند و از دین موسی گریختند(طه/

۸۸۸۵). در آخرت نیز دوزخیان عذر به درگاه خدا می‌برند و دوستان ناشایست را عامل دین‌گزینی خود معرفی می‌کنند:

فرقان/ ۲۸

«یا ویلتی لیتنی لم آتخذ فلاناً خلیلاً»

مدثر/ ۴۵

«و کنا نخوض مع الخائضین»

چنان‌که دوستان و مریبان در گریزان ساختن دینداران از دین خویش سهم دارند و پذیرا نشدن ایشان دین حق را نیز نقش آفرین هستند. برای نمونه فرزند نوح (ع) تحت تأثیر محیط و دوستان از دین گریخت و از شمار خاندان و نجات یافتگان بیرون رفت (هود/ ۴۶). شماری از کافران با الگوگیری از بزرگان خود به دین‌گزینی کشانده شدند:

توبه/ ۳۱

«اتخذوا أجبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله»

احزاب/ ۶۷

«وقالوا ربنا إنا أطعنا سادتنا و کبرائنا فأضلونا السبیل»

۳. فشار و خشونت

یکی از عوامل مهم آسیب‌های اجتماعی اجبار و اکراه بر انجام برخی رفتارها و کردارها بوده و هست. اجبار، خشونت و سخت‌گیری پیامدهای بسیار ناگواری دارد که لج‌بازی، پنهان‌کاری، دروغ و انتقام، تنها بخشی از نتایج سوء این عامل هستند.^۵ خشونت دیدگان بیشتر از دیگران دگرآزاری می‌کنند، بیشتر انتقام می‌گیرند و با رغبت بیشتری هنجار شکنی می‌کنند.^۶ گری گوری می‌گوید: کتک خورده‌ها در آینده یا افرادی بی‌اراده و شل و ول بار می‌آیند و یا آدم‌های قلدری که با نگاه به گذشته در پی انتقام‌گیری هستند.^۷

جامعه‌شناسان نیز اجبار و لزوم نهفته در هنجارهای آتی را زمینه‌ساز ناسازگاری و هنجارشکنی عده‌ای می‌دانند.^۸ دین‌گزینی نیز چونان دیگر آسیب‌های اجتماعی از این عامل بی‌بهره نمانده است. خشونت‌هایی که به نام دین انجام می‌گیرد و الزام‌هایی که در جهت دین‌آوری صورت می‌پذیرد گروهی را در صف دین‌گريزان آورده است و در نگاه ایشان تصویر دین، تصویری خشن و همراه با فشار، تهدید و ارعاب می‌گردد. بسیاری از کودکان در دوران نوجوانی و جوانی، تهدید و گناه‌تنبیه والدین به انجام فرائض و ترک برخی رفتارها را شاهد بوده‌اند، و در محیط تحصیلی کاستن از نمره انضباط، تحقیر و تهدید را تحمل کرده و به اجبار در نماز جماعت و دیگر مراسم دینی

شرکت کرده اند، و سپس در محیط کار و فعالیت به نام دین، بست و بندهای بسیار را تجربه می کنند.

در نظرگاه قرآن نیز مهربانی، خویشتن داری و آسان گیری بر مردم، عامل جذب آنان، و سخت گیری و فشار، عامل گریز از دین معرفی شده است:

«فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم»
آل عمران/ ۱۵۹

با این نگاه، قرآن از پیامبران، نرم گویی با سردمداران کفر و فساد را می طلبد و ایشان را از درشت گویی باز می دارد:

«فقولا له قولا لينا لعله يتذكر أو يخشى»
طه/ ۴۴
و احکام را به گونه ای تشریح می کند که دینداران در سختی گرفتار نیابند: «لايكلف الله نفساً إلا وسعها».

۴. ناکارآمد دیدن دین

یکی از عوامل دین گریزی ناکارآمدی دین است. انسان عصر جدید از تنهایی، انزوا، اضطراب و ... بسیار آزار می بیند.

هری استاک سالیوان می گوید: «فایزور علوم اسلامی»
در عصر فروید دغدغه اصلی سرکوب جنسی بود و در عصر جدید مشکل اصلی انسان تنهایی است.^۹

گوستاو یونگ می نویسد:

«ما در عصر بزرگ ترین آشوب ها و بی قراری ها به سر می بریم؛ در عصر کشمکش های عصبی، اغتشاش های ذهنی و سردرگمی دیدگاه ها و باورها».^{۱۰}
فروم می گوید:

زندگی ما توأم با آشفته گی و سرگردانی روحی است که به گونه ای خطرناک به حالت دیوانگی نزدیک شده است.^{۱۱}

فشارهای روانی بر انسان معاصر به اندازه ای است که ۸۰٪ بیماری های جدید از فشارهای روانی ناشی می شود.

این انسان با این دغدغه ها و مشکلات روحی و روانی، دین را عاملی برای نجات خویش می بیند و به سمت دین می رود. براین اساس یونگ برای دین خصلتی روان

درمان گرانه قائل است و دین را معنی بخش وجود انسان و رهایی بخش او از مشکلات می‌شناساند.^{۱۲} و مالیونفسکی نیز چونان یونگ می‌اندیشد.^{۱۳} و با همین تصور مشرکان بت پرستی می‌کردند و از بت‌های خود انتظار یاری داشتند:

«واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ینصرون» یس/ ۷۴

این نیاز انسان را برخی از طراحان دین، شناسایی کرده با طرح ادیان جدید، خود را رهایی بخش انسان از مشکلات روحی و روانی معرفی می‌کنند. نورمن ویت سنت پیل طراح یکی از این ادیان می‌گوید:

با اطمینان به نفس و حرارت و نگرش مثبت و به کمک پروردگار می‌توانی مشکلات شخصی خویش را حل کنی و قادر متعال علاج‌نگرانی است.^{۱۴}

در ژاپن نیز ادیان جدید، مهاجرین به شهرها را که نسبت به سایر ژاپنی‌ها از تنهایی، غم و اندوه بیشتری رنج می‌برند نشانه می‌گیرند و در جذب و پذیرش آنها بسیار موفق جلوه می‌کنند، آنها این اطمینان را به پیروان خویش می‌دهند که دین پذیرفته شده رهایی بخش و آرامش‌آفرین است.

وقتی انسان با این رویکرد به سمت دین می‌رود و در شمار دینداران قرار می‌گیرد از دین آرامش و سعادت و رهایی از تنهایی را می‌طلبد. اگر دین نتواند این خواسته را برآورده سازد گریز از چنین دینی طبیعی است.

برخی دین‌گزینی‌ها در دوران معاصر از آن جهت است که دین‌گريزان دین را فاقد راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از غم، غصه، اندوه و اضطراب می‌دانند، آنها تصویر می‌کنند دین نه تنها ایشان را از تنهایی و اضطراب نمی‌رهاند، بلکه با توصیه به گریه، بر سر و سینه کوفتن و خویشتن‌آزاری، غم و غصه و اندوه آنها را تشدید می‌کند.

۵. شک و تردید

یکی دیگر از عوامل دین‌گزینی شک و تردید نسبت به آموزه‌ها و سنت‌های دینی است. این عامل در عصر جدید که دوران گرداب‌های سهمگین شک و تردید است بسیار بیشتر از گذشته جلوه می‌کند. گرداب شک و تردید چنان گسترده و فراگیر است که هیچ آموزه‌ای از آن بی‌نصیب نمانده است.

کارل گوستاو یونگ می‌گوید:

«من در مجموع خیال می‌کنم اغراق نیست وقتی که می‌گویم انسان امروزین از

لحاظ روان شناختی دچار شکمی کم و بیش مرگبار شده و در نتیجه غریب شک و تردید گشته است».^{۱۵}

انسان امروز به تمامی باورها و اعتقادات و مناسک پیشینیان به دیده شک و تردید می‌نگرد، او تفاوتی میان معارف مقدس و نامقدس نمی‌بیند و شک و تردید خویش را در تمام حوزه‌ها می‌گستراند.

این شک و تردیدها وقتی در قالب پرسش درآیند و جواب شایسته گیرند بسیار خجسته و ارزشمند می‌نمایند و دینداری را مستحکم می‌سازند، اما وقتی پرسشی نشوند یا پاسخ بایسته نگیرند بسیار ویرانگره می‌شوند؛ به ویژه آن گاه که پرسشگر، دین را نابدبار در برابر پرسش‌های خود ببیند. پیامبر اُمّی می‌ماند؛ مبادا برخی از مسلمانان در حیاتی بودن قرآن شک و تردید کنند و دین‌گریز شوند:

«و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لاتخطه بيمينک إذا لارتاب المبتلون»

عنکبوت/ ۴۸

و شک و تردید شماری از مسلمانان، آنها را به دین‌گریزی می‌کشاند، تا جایی که به خدا و روز واپسین به دیده تردید می‌نگرند:

«إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهِيَ فِيهِمْ

توبه/ ۴۵

يَتَرَدَّدُونَ»

چنان که شک و تردید عامل مهمی در گریز دینداران از دین است؛ این شک و تردید عامل مهم در عدم پذیرش دین حق است. بنی اسرائیل به جهت شک و تردید دین موسی را برنافتند و گفتند:

«يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة»

بقره/ ۵۵

و درباره ایشان می‌خوانیم:

هود/ ۱۱۰

«إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْ رَبِّ»

قوم عاد در حقانیت دین هود شک و تردید داشتند و خواستار نشانه بودند و بدون

نشانه پذیرای دین نمی‌شدند و از خدایان خویش دست برنمی‌داشتند:

«يا هود ما جئتنا ببينة و ما نحن بتاركي آلهمتنا عن قولك و ما نحن لك بمؤمنين»

هود/ ۵۳

قوم صالح خود را در شک و تردید می‌دیدند و از اینکه صالح(ع) با این شک، آنها

را به دین خویش می‌خواند شگفت زده بودند:

«أنتهانا أن نعبد ما يعبد آباؤنا و إنا لنفی شک ممّا تدعوننا إليه مریب» هود/۶۲
 یوسف(ع) نیز نشانه‌ها می‌آورد، اما گروهی گرفتار شک و تردید یا به بهانه شک و تردید دین او را بر نمی‌تابند:

«و لقد جاءکم یوسف من قبل بالبینات فما زلتم فی شک ممّا جاءکم به» مؤمن/۳۴
 قوم نوح، عاد، ثمود و ... نیز به فراخوان پیامبران به دیده شک می‌نگرند:

«و قالوا إنا کفرنا بما أرسلتم به و إنا لنفی شک ممّا تدعوننا إليه مریب» ابراهیم/۹
 و از ایشان معجزه می‌خواهند:

«فأتونا بسطان مبین» ابراهیم/۱۰
 فرعون نیز به موسی شک داشت و او را دروغگو می‌خواند:

«إنی لأظنه کاذباً» مؤمن/۳۷

از این جهت به هامان گفت برای من برجی بلند بساز تا از فراز آن به خدای موسی که درباره‌ی او شک دارم دست یابم:

«و قال فرعون یا هامان ابن لی صرحاً لعلی أبلغ الأسباب أسباب السموات فأطلع إلى إله موسی» مؤمن/۳۶-۳۷

و همین شک و تردید عامل نپذیرفتن اسلام از سوی عده‌ای است:

«أم یقولون افتراه» سجده/۲

«و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لاتخطه بيمينک إذا لارتاب المبطلون»

عنکبوت/۳۸

کافران، اسلام را ساختگی می‌دیدند و نسبت به وحی تردید داشتند:

«ء أنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شک من ذکری» ص/۸

چنان که نسبت به آخرت و دین پیامبر اسلام نیز در تردید بودند:

«بل هم فی شک منها» نمل/۶۶

«قل یا أيها الناس إن کنتم فی شک من دینی» یونس/۱۰۴

«یا أيها الناس إن کنتم فی ریب من البعث» حج/۵

این شک و تردیدها نسبت به وحی، پیامبر، آخرت و ... عامل اصلی گریز عده‌ای

از اسلام و فرارشان از جهاد است:

«إنما یستذنبک الذین لایؤمنون بالله و الیوم الآخر و ارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم

توبه/۴۵

یترددون»

۶. ناسازگارنمایی با عقل

نیازهای انسان به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. نیازهای فطری، ۲. نیازهای غیر فطری.

نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی خواهی، تعلق پذیری و عشق، احترام و خودشکوفایی در شمار فطریات هستند.

آبراهام مزلو نیازهای شناختی را نیز از شناخت های فطری می‌خواند:

«شواهد تاریخی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد که مردم با به خطر انداختن زندگی شان به دنبال دانش بوده‌اند. از این رو این نیاز را بالاتر و برتر از نیازهای ایمنی خود قرار داده‌اند.»^{۱۶}

در نگاه عده‌ای این نیازهای شناختی خاستگاه دین است. برای نمونه آگوست کنت، هربرت اسپنسر، ادوارد تایللی و جیمز فریزر، خاستگاه دین را عواطف نمی‌دانند؛ به باور آنها انسان‌های اولیه دانش خواه بودند و ذهن آنها بسیار عقلایی. این گروه ریشه فعالیت های دینی و مناسک را در باور داشت ها و اندیشه ها جست و جو می‌کنند و ریشه دین را در خرد بشری می‌جویند.

بنابراین وقتی گروهی دینی را پذیرا می‌شوند انتظار ناسازگاری آن دین با خرد را ندارند که اگر چنین تنش‌ی میان عقل و دین رخ نماید آنها از دین به سود عقل چشم می‌پوشند.

برخی از دین‌گیزی‌ها در میان جوانان و دیگر اقلیت‌ها از سر ناسازگار دیدن دین با عقل است. عده‌ای در جهان اسلام، شبیه‌خوانی، تعزیه‌خوانی، معجزات، شیطان، جن، تفاوت مرد و زن در دین، ارث و... را بر نمی‌تابند و آنها را با عقل ناسازگار می‌خوانند، چنان‌که در میان مسیحیان نیز شماری تثلیث، رخدادهای زمان تولد مسیح، عشاء ربّانی و تأثیر قطعه نانی تبرک شده و جرعه‌ای شراب در خوشبختی را که از باورهای مسیحیان است با عقل ناسازگار می‌شناسند و برخی یهودیان نیز بی‌بندوباری سلیمان، کشتی گرفتن یعقوب با خدا، فریاد و فغان ایوب و هوسرانی داود را - آن گونه که تورات می‌گوید - با خرد ناسازگار می‌شناسند.

۷. ناسازگارنمایی با علم

در نگاه عده‌ای علم و دین ناسازگار با یکدیگرند و تلاش‌های فراوانی که در

راستای آشتی این دو انجام شده ناکام است. دین نظریات نوآمد علمی را بر نمی نهد. چنان که تصور اینکه یک نفر هم دیندار باشد وهم دانشمند، امکان پذیر نیست. استیون وینبرگ، فیزیک دان، به عنوان نماینده برجسته این گروه می گوید:

«هر چه علم، عمیق تر به سرشت اشیاء نگاه کند کمتر به نظر می رسد جهان نشانی از یک خدای «علاقه مند» را در برداشته باشد».^{۱۷}

اینستین، همفکر وینبرگ نیز خدای شخصی اسلام، مسیحیت و یهودیت را پذیرفتنی نمی داند.

یکی از نمونه های برجسته ناسازگاری علم و دین، نظریه تکامل داروین است. این نظریه با آنچه ادیان به عنوان هدفداری جهان مطرح می کنند کاملاً در ناسازگاری است. وینبرگ می گوید:

«ناسازگاری که نظریه تکامل با دین می آفریند از فیزیک بیشتر است؛ چه اینکه این نظریه، عقیده به یک خدای ذوالعنایه را به چالش می کشد. برداشت وینبرگ به باور پیروان داروین نیز صحیح می نماید؛ چنان که هائیکل، کارل مارکس، نیچه، فروید و ... نیز با الحاد سازگار است».^{۱۸}

همچنان که ناسازگار دیدن دین با علم از عوامل مهم دین گریزی است؛ تهی دیدن دین از علم و بی ثمر بودن آن نیز از عوامل دین گریزی شناخته می شود. برای نمونه کافران از آن جهت از اسلام می گریختند که قرآن را اساطیر می شناختند، و از علم تهی می دانستند. درنگاه آنها اساطیر از واقعیت تهی است و ثمره ای جز سرگرمی ندارد، اما علم فواید بسیار دارد و انسان را در رسیدن به خواسته ها و آرزوهای یاری می کند:

«ان هذا إلا اساطیر الأولین»
 رشید رضا در تفسیر این آیه می نویسد:

«یعنی آنها لایعقلون مماً فی القرآن من أنباء الغیب فی قصص الأمم مع رسلهم، إلا أنها حکایات و خرافات تستطر و تکتب کغیرها، فلا علم فیها و لا فائدة منها».^{۱۹}

این نمونه و نمونه های دیگر با فرض بهانه بودن نیز حکایت از آن دارد که کافران اسطوره را بر نمی تابند و آن را با علم ناسازگار می شناسند.

امروزه نیز برخی از اهل کتاب به جهت ناسازگاری کتاب مقدس با یافته های علمی از آن می گریزند. موریس بوکای می نویسد:

«در مورد عهد عتیق نیازی بود از کتاب نخست آن یعنی سفر پیدایش پا فراتر نهم،

تا به تأکیدی آشتی ناپذیر و غیرقابل توجیه با معلومات قطعی علمی روبرو شوم».^{۲۰}

بیاتی گورسگی می گوید:

«در انجیل ها چه از جهت تاریخی و چه از لحاظ جغرافیایی مطالب نادرست فراوان به چشم می خورد».^{۲۱}

نمونه هایی از دین گریزی در جهان اسلام نیز دیده می شود. برای نمونه کسروی برخی از آیات را با علم ناسازگار می بیند و از اسلام می گریزد و برخی از جامعه شناسان و روان شناسان نیز از آن جهت که وحی، شیطان، جن و فرشته را در خور آزمایش و تحلیل و بررسی علمی نمی دانند از دین می گریزند و یا به تحلیل علمی وحی و شیطان و موضوعاتی از این دست می پردازند؛ تحلیلی که در نظرگاه دینداران عین دین گریزی است.

۸. فقر

یکی از عوامل مهم و کلیدی در بروز ناهنجاری های اجتماعی، فقر است. برای نمونه ۸۵ تا ۹۰٪ جرایم در ایتالیا توسط افراد خانواده های فقیر انجام می شود در صورتی که این خانواده ها ۶۰٪ کل جمعیت را تشکیل می دهند. تحقیقات دکتر سیریل برت در کتاب بز هکار جوان نیز جرایم فقرای لندن را ۱۹٪ و جمعیت آنها را ۸٪ کل جمعیت لندن می خواند.^{۲۲}

نقش فقر در پدیداری آسیب های اجتماعی در دین گریزی نیز دیده می شود؛ به گونه ای که بخشی از دین گریزی ها در خانواده های ضعیف یا بسیار ضعیف است. تأثیر گذاری فقر بر پدیداری آسیب های اجتماعی و هنجارشکنی در جایی است که فقر منفی انگاشته شود، اما اگر مثبت دیده شود و امتحان الهی قلمداد گردد به دین گریزی و هنجارشکنی و آسیب رسانی نمی انجامد.

افزون بر این نقش فرد در پدیداری فقر نیز بسیار مهم جلوه می کند. فقری که از تنبلی و سستی فرد پدید می آید در مقایسه با فقری که در یک حکومت دینی پدید می آید بسیار کمتر به دین گریزی می انجامد. فقری که در یک حکومت دینی پدیدار می شود به حساب دین گذاشته می شود و زمینه های گریز از دین را فراهم می سازد، اما اگر همین فقر در یک حکومت سکولار رخ دهد، دین گریزی نمی آورد.

تأثیر فقر بر دین‌گریزی در آیات قرآن نیز دیده می‌شود:

بقره/ ۲۶۸ «الشیطان یعدکم الفقر»

شیطان مسلمانان را از فقر می‌ترساند، شاید ایشان از فقهر بهراسند و دین‌گریزی پیشه کنند. در برابر، خداوند وعده آمرزش و فزونی می‌دهد:

بقره/ ۲۶۸ «و الله یعدکم مغفرة منه و فضلاً»

و تهی‌دستان را از فضل خویش بهره‌مند می‌سازد:

نور/ ۳۲ «إن یكونوا فقراء یغنیهم الله من فضله»

و بر این اساس در روایات می‌خوانیم:

«کاد الفقر أن یكون کفراً».

۹. روان‌پریشی

یافته‌های جدید علمی نشان از بیماری شمار زیادی از آسیب‌رسانان و هنجارشکنان دارد. این یافته‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای مسئول را ناگزیر از فراخوان روان‌پزشکان و مددکاران اجتماعی ساخته است، تا آنجا که امروزه بیشتر زندان‌ها و ندامتگاه‌ها از خدمات این گروه‌ها بهره‌می‌گیرند و در اصلاح زندانیان و درمان آنها می‌کوشند.

دین‌گریزی نیز مانند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی متأثر از این بیماری‌ها می‌باشد. خاستگاه‌شناسی دین‌گریزی گروهی از دین‌گريزان، نشان از بیماری شدید آنها دارد؛ به گونه‌ای که ایشان در برابر دین، مانند سنگ یا شدیدتر از سنگ می‌نمایند:

بقره/ ۷۴ «ثم قست قلوبکم من بعد ذلك فهی کالحجارة أو أشد قسوة»

توبه/ ۱۲۵ «و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم»

مائده/ ۵۲ «فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم»

عناد، دشمنی، تکبر، حسد و ... برخی از بیماری‌های دین‌گريزان است. شماری از بنی اسرائیل خودبزرگ بینی داشتند، خویش را برتر از طالوت می‌دانستند، رهبری او را بر نمی‌تافتند، از جهاد سرباز می‌زدند:

«و قال لهم نبیهم إن الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا أئی یكون له الملك علینا و

نحن أحق بالملک منه» بقره/ ۲۴۷

۱۰. سخنگویان دین

کنش‌های رفتاری و گفتاری ناشایست برخی سخنگویان دین و مسئولین حکومتی یکی دیگر از عوامل دین‌گریزی است. برخی سخنگویان دینی وضعیت فرهنگی و اجتماعی رضایت‌بخشی ندارند، این عده در مواجهه با دیگران نفرت‌آفرینی می‌کنند و ایشان را دین‌گریز می‌سازند، دین را در قالب پوشیده و فرهنگی و اجتماعی و خاص خود می‌برند و با خرافه‌سازی و جعل و تحریف دین، چهره‌ای نامطلوب و زنده از دین ترسیم می‌کنند و با انگشت‌نهادن روی برخی روایات که بیشتر ساختگی می‌نمایند تاب تحمل مخاطب را می‌ربایند.

برای نمونه برخی از دین‌گریزی‌ها در غرب، نتیجه نفرت مردم از کشیشان بود. مردم امتیازات این گروه و تنگ‌نظری و قدرت‌طلبی و ثروت‌برخی از اسقف‌ها را بر نمی‌تافتند و با دین‌گریزی در برابر ایشان واکنش نشان می‌دادند. در آیات قرآن نیز برخی از نشانه‌های نقش دانشمندان اهل کتاب در دین‌گریزی آمده است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِنَ الْأَجْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»
توبه/ ۳۴

گروهی از علمای اهل کتاب با در هم آمیختن ساخته‌های خویش با دین، با هدف مادی دین را با زندگی و خوردن‌سازگار نشان می‌دهند و زمینه‌های دین‌گریزی را فراهم می‌سازند:

«فويل للذين يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمناً قليلاً»

بقره/ ۷۹

«يا أهل الكتاب لاتغلوأ في دينكم»
نساء/ ۱۷۱

در جهان اسلام نیز برخی سخنگویان چنین نقشی دارند؛ آنها با رفتار زشت، دنیاطلبی، گناه، خشونت و باورهای خویش مردم را به اصل دین بدین می‌کنند و ایشان را به وادی دین‌گریزی می‌برند؛ در صورتی که آیات یاد شده به علمای اهل کتاب محدود نمی‌شود، بلکه سخنگویان اسلام نیز مشمول این آیه هستند و باید از سوق دادن مردم به دین‌گریزی بپرهیزند.

۱۱. خواسته‌های نفسانی

عده‌ای دین را بر نمی‌تابند؛ از آن جهت که آموزه‌های پیامبران با بی‌بندوباری و

ولنگاری ایشان ناهمخوان است و بر زیاده‌خواهی‌ها و آزادی‌های جنسی ایشان قید و بند می‌زند:

«و لقد آتینا موسی الكتاب و قفینا من بعده بالرسول و آتینا عیسی بن المریم البینات و آیدناه بروح القدس أفکلما جاءکم رسول بما لاتهوی أنفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون»
بقره/ ۷۸

این گروه دین را بر نمی‌تابند و هوای نفس را معبود خود قرار می‌دهند:

«أرأیت من اتخذ إلهه هواه»
فرقان/ ۴۳

شیطان را الگو می‌گیرند، هنجارشکن می‌شوند، فساد و تباهی می‌کنند و از گمراه‌ترین مردم هستند:

«و من یتبع خطوات الشیطان فإِنَّه یأمر بالفحشاء و المنکر»
نور/ ۲۱

«و من أضلّ ممّن اتّبع هواه»
قصص/ ۵۰

پیروی از این اسیران هوای و هوس نامطلوب و ناپسند است و خطر دین‌گریزی را در پی دارد:

«و لاتتبع أهواءهم عمّا جاءك من الحق»
مائده/ ۴۸

و پیروان این عده از سوی خدا سرپرستی و یاری نخواهند شد:

«و لئن اتّبت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من الله من ولیّ و لانصیر»

بقره/ ۱۲۰

۱۲. تهاجم دینی

هجوم رسانه‌ای شدید بر ضد دین و متولیان دین، یکی دیگر از عوامل دین‌گریزی است. دین‌ستیزان با امکانات گسترده اقتصادی، رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی، به طرح ایسم‌هایی می‌پردازند که دین را بر نمی‌تابند. آنها با ناکارآمد نشان دادن دین و به چالش کشیدن باورها، رفتارها و مناسک دینی و پخش شایعات درباره شخصیت‌های دینی سهم زیادی در دین‌گریزی دارند. برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای جذاب و در عین حال هدفمند این گروه، دین را افیون ملت‌ها، عامل عقب‌ماندگی، انحطاط و استبداد معرفی می‌کند.

تهاجم را نیز می‌توان به عنوان یک عامل دین‌گریزی در آیات قرآن ردیابی کرد.

برخی از شیوه‌های دین‌ستیزان در قرآن عبارتند از:

یک . تخریب شخصیت ها

دین ستیزان برای راندن مردم از دین، پیامبران را نابردبار، قدرت طلب، تمامیت خواه، مجنون، ساحر، گمراه و ... معرفی می کنند:

«قالوا یا شعیب أصلوتک تأمرک أن نترك ما یبعد آباؤنا أو أن نفعل فی أموالنا ما نشاء إنک لأنت الحلیم الرشید»

«قالوا أجتتنا لتلفتنا عمّا وجدنا علیه آباءنا و تكون لکما الکبرياء فی الأرض»

یونس/ ۷۸

قصص/ ۴۸

«قالوا سحران نظاهرا»

مؤمنون/ ۲۴

«ما هذا إلا بشر مثلکم برید أن یتفضل علیکم»

صافات/ ۳۶

«و یقولون أئنّا لتارکوا آلہتنا لشاعر مجنون»

ص/ ۴

«و قال الکافرون هذا ساحر کذاب»

دو . تخریب کتاب آسمانی

روش دیگر دین ستیزان زیر سؤال بردن قرآن بود:

انعام/ ۲۵

«یقول الذین کفروا إنّ هذا إلاّ اساطیر الأولین»

هود/ ۱۳

«أم یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات»

۱۳ . گسترده گی بی ضابطه شریعت

یکی دیگر از عوامل دین ستیزی نشان دادن اسلام به عنوان دینی پر شریعت است . عده ای اصرار دارند دین اسلام را پر شریعت ترین دین معرفی کنند و با تنگ نظری و سخت گیری برخی از مباحات را تحریم کنند و هر روز قید و بندی جدید به نام دین بر انسان تحمیل کنند؛ در صورتی که این گسترش نه تنها امتیازی برای مسلمانان و اسلام نیست، بلکه برخی از مسلمانان را به رودر رویی با شریعت می کشاند. از سوی دیگر جمعیت قابل توجهی موسیقی گوش می دهند، پوشش کامل اسلامی ندارند، ظواهر دینی را رعایت نمی کنند و ... این عده وقتی بسیاری از رفتارها و گفتارهای خود را با دین در ناسازگاری می بینند و با برخی از سخت گیری های فرادینی نیز روبرو می شوند، به سمت دین گریزی و رهایی از دغدغه های دینداری می روند.

راه حل‌های دین‌گریزی

دین‌گریزی مانند دیگر آسیب‌های اجتماعی قابل‌پیشگیری و درمان است. با راهکارهایی می‌توان از دین‌گریزی پیشگیری کرد و در صورت رخداد به درمان آن پرداخت.

مرحله پیشگیری

در این مرحله سه راهکار اساسی وجود دارد:

۱. معرفی شایسته و بایسته دین

معرفی درست دین یکی از راه‌های مهم جلوگیری از دین‌گریزی است. اگر دین‌باوران دین را خرد گریز نشان ندهند، آموزه‌ها و باورهای دینی را با شواهد و نشانه‌های بسیار عرضه کنند و شک و تردید را از مخاطبان بگیرند، نوید بخشی دین را فریاد کنند و از سعادت آفرینی دین سخن گویند و دین را ناسازگار با علم نشان ندهند، از ناحیه اصل دین، شاهد دین‌گریزی مردم نخواهیم بود.

در این رهگذر، چهار محور بایسته‌تر به نظر می‌رسد که عبارتند از:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الف. طرح خردمندان دین

بخشی از دین‌گریزی‌ها از ناسازگار دیدن دین با خرد آدمی پدید می‌آید. برای پیشگیری از این تصور، باید از آیات قرآن در طرح دین‌الگو گرفت و دین را همان‌گونه که قرآن معرفی می‌کند طرح و عرضه داشت. وقتی به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم خردمندان و صاحبان فکر و اندیشه را بسیار مقرب و پرمنزلت می‌بینیم:

«قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» زمر/۹

دین را با تعقل و تدبیر در آمیخته می‌یابیم و نشانه‌هایی چونان زنده شدن گاو

بنی اسرائیل را در جهت واداشتن انسان به اندیشه می‌بینیم:

«کذلک نفضّل الآیات لقوم یعقلون» روم/۲۸

«کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون» بقره/۲۴۲

«کذلک یحی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون» بقره/۷۳

«إنا أنزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون» یوسف/۲

«کتاب أنزلناه إليك مبارك ليدتبروا آياته و ليتذکر أولوا الألباب» ص/ ۲۹
 در این راستا پدیداری دین با نشانه‌های بسیاری همراه است و تصور تعقل‌گریزی از
 ساحت دین برچیده شده، پیامبران معجزه می‌آورند، باورها در قالب عقلی ریخته
 می‌شود، شکل منطقی می‌یابد و پیامبر اسلام صاحب برهان معرفی می‌شود:

«أفي الله شك فاطر السموات والأرض» ابراهیم/ ۱۰
 «لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا» انبیاء/ ۲۲

«فلما جنّ عليه الليل رأى كوكباً قال هذا ربّي فلما أفل قال لأحبّ الأفلين . فلما
 رأى القمر بازغاً قال هذا ربّي فلما أفل قال لئن لم يهدني ربّي لأكوننّ من القوم الضالّين .
 فلما رأى الشمس بازغة قال هذا ربّي هذا أكبر فلما أفلت قال يا قوم إني برىء ممّا
 تشرکون» انعام/ ۷۶-۷۷

«قال إني على بينة من ربّي» انعام/ ۵۷

در تشریح احکام نیز سازگاری میان عقل و تشریح به روشنی دیده می‌شود و احکام
 بر پایه مصالح و مفاسد و نیازها شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که اگر عقل قادر بر فهم تمام
 این مصالح و مفاسد باشد هیچ‌گونه ناسازگاری از خود بروز نمی‌دهد و تسلیم بی‌قصد و
 شرط این احکام و مقررات اجتماعی اسلام خواهد شد.

در برابر این دین، صاحبان خرد و اندیشه، تسلیم، و نابخردان نابردارند. آنها دین
 را به هیچ روی بر نمی‌تابند و آن را به سخره می‌گیرند:

«صمّ بکم عمی فهم لا یعقلون» بقره/ ۱۷۱

«و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا أو لو كان آباءهم
 لا یعقلون شیئاً و لا یهتدون» بقره/ ۱۷۰

«و إذا نادیتم الی الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً ذلك بأنهم قوم لا یعقلون» (مائده/ ۵۸)

قرآن از این نابخردان برهان می‌خواهد: «قولوا قولاً سدیداً» (احزاب/ ۷۰) و آنها
 ناتوان نشان می‌دهد.

ب. اطمینان‌سازی دین

شماری از دین‌گریزی‌ها از تردید و شک در باورها و رفتارهای دینی بر می‌خیزد.
 در این موارد طرح دین همراه با نشانه‌ها و دلایل اطمینان‌آور، بهترین راهکار شناخته
 می‌شود.

مخاطبان پیامبران الهی با شک و تردید در آورده های پیامبر می نگرستند:

«و إنا لفي شك مما تدعوننا إلیک مریب» ابراهیم/ ۹

آنها خواهان معجزه بودند:

«فأتوا بسطان مبین» ابراهیم/ ۱۰

و قوم هود به وی می گویند:

«یا هود ما جئتنا ببینة و ما نحن بتارکی آلہتنا عن قولک و ما نحن لک بمؤمنین»

هود/ ۵۳

پیامبران در برابر این عده با معجزات و دلایل و براهین روشن، آورده های خویش را اثبات می کردند و شک و تردید را از اذهان مخالفان می زدودند. و اگر می بینیم عده ای هم چنان از شک و تردید خود سخن می گفته اند به دلیل آن بوده که علاقه ای به رهایی از شک و تردید نداشتند.

ج. آرامش بخشی دین

آرامش بخشی و سعادت آفرینی دین در مقایسه با دیگر کارکردهای دین بسیار کم رنگ جلوه می کند. این کاستی عده ای را به این توهم کشانده که دین سعادت آفرین نیست یا آرامش بخشی آن از ایسم های جدید کمتر است.

رودرویی با این توهم، طرح فلسفه دین به خصوص با این رویکرد را بایسته می سازد. از این رهگذر، دین در آیات قرآن آرامش آفرین است:

«الابدکر الله تطمئن القلوب» رعد/ ۲۸

انسان ها را از تاریکی به سوی نور رهنمون می کند:

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلی النور» بقره/ ۲۵۷

ترس، اضطراب، دلهره و اندوه را از فضای زندگی دینداران دور می کند و ایشان را در امنیت و آرامش قرار می دهد:

«فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون»

در راستای سعادت آفرینی دین، کتاب های آسمانی هدایتگرند و سعادت را به ارمان می آورند:

«و أنزل التوراة و الإنجیل من قبل هدی للناس»

«یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة»

آل عمران/ ۴

للمؤمنین»

یونس/ ۵۷

آرامش آفرینی دین به باورهای دینی محدود نمی ماند، بلکه عبادات، مناسک و تمامی شریعت اسلام نیز تولید آرامش می کند:

«من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالح فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون»

مائده/ ۶۹

«من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنجینه حیاة طیبة» نحل/ ۹۷

نتیجه: الهام گیری از این گونه آیات و بهره وری از یافته ها و دانش های جدید در توضیح و تبیین کارکرد باورها و رفتارهای دینی، چهره ای جدید برای دین می سازد؛ تصویری که در میان نسل پر دغدغه و پر اضطراب امروز طرفداران بسیاری دارد. اگر نقش دین به صورت کلی و کارکرد بخش های گوناگون آن به صورت جزئی برای نسل امروز تبیین گردد و تأثیر دین در جهت زدودن ترس، دلهره و اضطراب گفته شود شاهد دین گریزی دست کم از این ناحیه نخواهیم بود.

د. طرح سازگاری دین و علم

در مرحله پیشگیری از تصور ناسازگاری علم و دین، نخست باید اهمیت علم و دانش در نگاه دین را به بحث نشست. و در مرحله دوم قلمرو علم و دین را از یکدیگر باز شناخت. فهمی از دین که گستره قلمرو آن تمامی دانش ها و علوم باشد با علم بسیار ناسازگار می افتد. فهمی که فیزیک، شیمی، زیست شناسی، نجوم، زمین شناسی و... را در قلمرو دین بیاورد چندان مورد رضایت نیست. دانشمندان این فهم را بر نمی تابند و از ناسازگاری گسترده آن با یافته ها و دانسته های جدید سخن خواهند گفت.

برای نمونه وقتی طنطاوی قرآن را دریای معارف و دانش های بشری می بیند و با این نگاه به تفسیر می نشیند ناگزیر از طرح و عرضه نظریات و تئوری هایی خواهد شد که به هیچ روی با یافته های جدید علمی سازگار نمی افتد. وقتی او از نظریه انفجار بزرگ می گوید و سدیم را منشأ جهان هستی می خواند بسیاری از دانشمندان را به رود رویی با خود می کشاند و آنها را به دین گریزی رهنمون می سازد. این دانشمندان تصویری از عالم سدیم ندارند و آن را در هاله ای از ابهام می دانند و قرآن را ناسازگار با علم می بینند.

۲. پیاده‌سازی و عملیاتی کردن دین

عملیاتی کردن رهنمودهای اقتصادی، سیاسی اجتماعی قرآن و سالم‌سازی جامعه و افراد بر اساس الگوی ارائه شده در قرآن یکی از راهکارهای پراهمیت در راستای پیشگیری از دین‌گزینی است که خود در چند محور می‌گنجد:

* توصیه‌های اقتصادی

این پیاده‌سازی، دین‌گزینی برخاسته از فقر و تهاجم را از میان می‌برد. در این رهنمودها از سویی کار، تلاش و تولید بسیار پراهمیت نشان داده شده است:

نجم/ ۳۹

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»

و از سویی دیگر دینداران باید بخشی از درآمد خود را به عنوان زکات، صدقه و

انفاق به مستمندان و نیازمندان پردازند:

بقره/ ۱۹۵

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

تغابن/ ۱۷

«إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفْ لَكُمْ»

حدید/ ۱۱

«مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له»

بقره/ ۲۷۲

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

* توصیه‌های سیاسی اجتماعی

خشونت، اجبار و سخت‌گیری در اسلام ناپسند است. در توصیه‌های اسلام، اکراهی در پذیرش دین نیست:

بقره/ ۲۵۸

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»

پیامبر تنها بشیر و نذیر است:

اسراء/ ۱۰۵

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»

آن حضرت وظیفه یا حق فشار و اکراه ندارد:

تغابن/ ۱۲

«فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»

رسول اسلام نباید سخت‌گیری کند. سخت‌گیری مردم را از ایشان می‌گریزند:

«فِيمَا رَحِمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ

آل عمران/ ۱۵۹

عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ»

بر اساس این رهنمودها سخت‌گیری بر شهروندان، تحمیل خواسته‌ها و ایجاد

محدودیت‌های فراگیر با روح حاکم بر آیات قرآن سازگار نیست. به قیاس اولویت، در خانواده نیز سخت‌گیری و فشار بر اعضای خانواده مطلوب نیست. وظیفه پدر و مادر، معرفی دین و بیان واجبات و محرمات و فلسفه آنهاست، نه واداشتن فرزندان به نماز، روزه، یا بازداشتن آنها از شنیدن موسیقی، یا حرام‌های دیگر.

فرزندانی که همواره در باید و نباید و امر و نهی زیسته‌اند پس از رهایی از سلطه پدر و مادر یکسره سرکش می‌نمایند و به واجبات و محرمات وقعی نمی‌نهند و بسیار بیشتر از دیگران، دین‌گریزی دارند.

۳. انسان‌سازی

بیماری‌های روحی و روانی گروهی از دینداران، انحراف عده‌ای از سخنگویان دین و آلودگی محیط، در شمار عوامل دین‌گریزی قرار دارند. برای پیشگیری از این شکل دین‌گریزی ناگزیر از زدودن زمینه‌های بیماری، انحراف و آلودگی هستیم.

در نگاه قرآن، باورها و عبادات، در فرایند پیشگیری بسیار موفق جلوه می‌کند:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»

«کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» بقره/ ۱۸۳

افزون بر این، فساد، بغی، حسد، تکبر و... از صفات رذیله خوانده شده و انسان از گرفتاری به این صفات پرهیز داده شده است.

در این راستا سخنگویان دین نیز از تحریف دین، سرپوش نهادن بر حقایق، دنیامداری، کج روی، ناشایست رفتاری و گفتاری باز داشته شده‌اند، سازگاری گفتار و رفتار از آنها خواسته شده، از غلو در دین و خرافه‌سازی نهی شده‌اند و حق اجبار و اکراه از آنها گرفته شده است:

«فویل للذین یکتبون الکتاب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمناً قليلاً»

بقره/ ۷۹

«یا أهل الکتاب لاتغلو فی دینکم»

نساء/ ۱۷۱

«یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون»

صف/ ۲

«لا إکراه فی الدین»

«فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک»

آل عمران / ۱۵۹

افزون بر این در مرحله پذیرش نیز باید سخت‌گیری‌ها بیشتر باشد. شایسته نیست هر نازیباروی از همه جا رانده‌ای بر مسند آموزگاران دینی نشیند و سخن از دین بگوید. معلمان دینی باید از میان بهترین‌ها انتخاب شوند، چنان‌که سخنگویانی که خدا بر می‌گزیند از بهترین‌ها هستند. پیامبران الهی همگی نیک‌رفتار و خوش‌گفتار و از عیوب و آفت‌های آفرینشی به دور بوده‌اند.

مرحله درمان

اگر در مرحله پیشگیری راهکارها ناموفق جلوه کند و دین‌گریزی شکل گیرد باید با راهکارهایی به درمان دین‌گریزی نشست. راهکارهای درمان دین‌گریزی بسته به عوامل دین‌گریزی متفاوت است. درمان دین‌گریزی ناشی از فقر، متفاوت با دین‌گریزی ناشی از خشونت و فشار است، چنان‌که در انواع دیگر دین‌گریزی راهکارها بسیار متفاوت می‌نماید، بنابراین هر شکل دین‌گریزی درمان خاصی را می‌طلبد و ناگزیر از بحث و بررسی انواع دین‌گریزی هستیم.

❁ دین‌گریزی برخاسته از ناسازگار دیدن عقل و دین

این شکل از دین‌گریزی با روشهایی قابل درمان است:

۱. سازگار ساختن دین و عقل

در این شیوه ناگزیر از ارزش‌گذاری هر یک از دین و عقل هستیم. آیا یک دریافت عقلی از آن چنان ارزش و منزلتی برخوردار است که یک فهم از دین را به نفع آن کنار نهیم و در موارد ناسازگاری، حکم عقل را مقدم داریم و فهم از دین را توجیه کنیم؛ یا دریافت‌های عقلی شایسته چنین عزت و احترامی نیستند و باید فدای فهم‌های دینی گردند؟!

پیشینه فهم دین، نشان از قربانی شدن برخی فهم‌های دینی در مواردی و شماری از دریافت‌های عقلی در مواردی دیگر دارد. در قسمت متافیزیک و مقولات فرامادی، عقل قدرت یکه‌تاز است و فهم دین را در موارد ناسازگاری از صحنه بیرون می‌کند، و در مقولات دیگر فهم دین حاکم می‌گردد و عقل ناتوان معرفی می‌شود! در بحث

خداشناسی و نبوت و ... عقل حاکم می‌گردد و به نفع حکم عقل، فهم، اصلاح و توجیه می‌شود، اما در بخش رفتارها، زندگی، حکومت‌داری و ... فهم دینی حاکم می‌شود و عقل ناتوان از دریافت مصالح و مفاسد معرفی می‌شود. عقلی که در متافیزیک پر قدرت می‌نماید و در فهم دین نیز کارآ است به ناگهان در سایر موضوعات و زمینه‌ها زمین می‌خورد و از ناتوانی و ضعف آن سخن گفته می‌شود. در صورتی که اگر عقل ضعیف است در فهم دین نیز ضعیف خواهد بود، در نتیجه فهم ما از دین نیز استواری لازم را نخواهد داشت و معیاری برای جلوگیری از نابایسته‌گویی و کج‌روی برخی از تفسیرگران نمی‌شود.

افزون بر این اگر عقل ناتوان است این عجز در متافیزیک بیشتر از جهان فیزیک است؛ چه آنکه در این محدوده انجام پروسه آزمون و خطا امکان‌پذیر است و می‌توان در جریان این پروسه از درستی یا نادرستی شماری از دریافت‌های عقلی اطمینان یافت و در صورتی نادرستی به سوی دریافت‌های دیگری حرکت کرد، اما در متافیزیک چنین امکانی نیست.

بنابراین باید در حد امکان از گستره قلمرو ناسازگاری کاست و احکام عقلی آزمون شده و مثبت را مقدم بر فهم‌های خاص از دین داشت. وقتی یک فهم نتیجه نمی‌دهد و پیامدهای ناگواری با خود به همراه می‌آورد، باید دوباره فهمی دیگر به کار زد، باید فهمی ساخت که با عقل درگیر نشود و خشم همگان را با خود نیاورد. چنان که حکم عقل در مورد عصمت پیامبران بر فهمی خاص از دین مقدم می‌شود، حکم عقل در سیاست، اقتصاد، حکومت‌داری، حقوق و ... نیز باید مقدم گردد.

با این رویکرد، زن از زمین ارث می‌برد، دیه اهل کتاب برابر با مسلمانان می‌گردد، بسیاری از دیدگاه‌های فقهی تغییر می‌کنند و ...

در تمام این موارد بازیگر اصلی عقل است، اما وقتی این نقش را بر نمی‌تابند با عناوین دیگری بازنگری و نواندیشی و دوباره فهمی را انجام می‌دهند.

بر این اساس در آیات قرآن دین خرافه‌زدایی می‌شود و باورهای خردگریز از ساحت دین پاک می‌شود. خطاب به عیسی (ع) می‌خوانیم:

«أنت قلت للناس اتخذوني و أمي إلهين من دون الله»

و عیسی (ع) در پاسخ می‌گوید:

«سبحانک ما یكون لی أن أقول ما لیس لی بحق»

و در راستای مبارزه با خردگریزی، دین یهود و مسیحیت پالایش می‌شوند و اعتقاد به اینکه عزیر و مسیح پسران خدا هستند، از ساحت دین پاك می‌شود و فرزندخواندن برای خداوند باور بی‌دینان معرفی می‌شود:

«و قالت اليهود عزیر ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بأفواههم یضاهون قول الذین كفروا من قبل قاتلهم الله أتى یؤفکون»
توبه / ۳۰

❁ دین‌گریزی برخاسته از شک و تردید

در درمان این شکل از دین‌گریزی راهکار نخست قرآن تشویق افراد به بیرون ریختن شک و تردید در قالب پرسش است:

«فإن كنت فی شك مما أنزلنا إلیک فستل الذین یقرؤون الكتاب من قبلک»

یونس / ۹۴

«فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون»

وقتی شک و تردید در قالب پرسش درآید امکان پاسخ‌گویی صاحب‌نظران فراهم می‌شود، اما وقتی برون‌ریزی نشود و پاسخ نیابد رسوب می‌گیرد و بستر مناسبی برای دین‌گریزی می‌گردد.

برون‌ریزی شک و تردید در عصر جدید نسبت به اعصار گذشته بسیار آسان‌تر و کم‌خطرتر است. در گذشته هراس از انگ و بدنام شدن و ... اجازه برون‌ریزی را به افراد نمی‌داد، اما امروزه رایانه و دیگر ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، نگرانی را از افراد گرفته است. افراد به آسانی تمامی شک و تردیدهای خویش را در سایت‌ها و وبلاگ‌ها رها می‌سازند، خود را یکسره تخلیه می‌کنند و هیچ نگرانی به خود راه نمی‌دهند. راهکار دوم پاسخ‌گویی، مستندسازی دوباره و بهینه‌سازی مستندات و بازگویی پیرایش شده باورها است.

پیامبر اسلام به کسانی که نسبت به دین آن حضرت شک و تردید دارند درس خداشناسی می‌دهد:

«قل یا أيها الناس إن کنتم فی شك من دینی فلاعبد الذین تعبدون من دون الله و لکن أعبد الله الذی یتوقاکم و أمرت أن أکون من المؤمنین و أن أقم وجهک للذین حنیفاً و لاتکونن من المشرکین . و لاتدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک فإن فعلت فإنک إذاً من الظالمین»
یونس / ۱۰۴-۱۰۶

همچنین آنان که در وحیانی بودن قرآن شک و تردید دارند مورد توجه قرار می‌گیرند و پاسخی کوبنده دریافت می‌کنند:

«و إن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله» بقره/ ۲۳

«قل فأتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله» یونس/ ۳۸

«قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات» هود/ ۱۳

آفرینش انسان و مراحل زندگی پاسخ کسانی می‌شود که در آخرت شک دارند: «یا ایها الناس إن كنتم فی ریب من البعث فإننا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غیرمخلقة...» حج/ ۵

حضرت صالح (ع) به کمک معجزه شک زدایی و تردیدشکنی می‌کند: «و إننا لفی شك مما تدعونا إلیه مریب. قال یا قوم أرأیتم إن كنت علی بینة من ربی و اتانی منه رحمة فمن ی نصرنی من الله إن عصیته فما تزدوننی غیرتخسیر. و یا قوم هذه ناقة الله لکم آية فذروها تأکل فی أرض الله» هود/ ۶۲-۶۴

در مرحله پاسخ گویی، انتخاب وسیله مناسب بسیار تأثیرگذار است. کتاب نویسی و مقاله نویسی هر چند شیوه‌های مناسبی برای انتقال پاسخ هستند، اما در مقایسه با روش‌های اطلاع‌رسانی نوین مانند وبلاگ نویسی چندان سودمند نیستند. مراجعه به اینترنت بیشتر از کتاب و مطبوعات است و رساندن پاسخ به شخص پرسشگر، آسان‌تر. افزون بر این وبلاگ نویسی مشکلات و دردسرهای چاپ و انتشار کتاب و مجله را ندارد و امکان تعامل و گفت‌وگو را بیشتر فراهم می‌آورد.

✽ احساس آرامش بخش نبودن دین

برای مقابله با احساس آرامش بخش نبودن دین، در مرحله نخست باید نگاه یک بعدی به دین شکسته شود و دین به عنوان یک مجموعه سازوار درآید و تمام ابعاد آن برجسته گردد. نگاه یک سویه به دین و طرح یک سویه باید و نبایدها، بکن و نکن‌ها، کیفی، تازیانیه، سنگسار، تبعید و... دین را ناکارآمد و ناسازگار با امید و عشق و سعادت نشان می‌دهد. دینی که تنها سنگسار، شلاق، و امر و نهی آن به گوش برسد و نمود یابد جز گریزاندن پیروان نتیجه‌ای نمی‌دهد. با کمک دین می‌توان عشق را در دینداران حیات بخشید، به آنها امید داد، سعادت بخشی دین را برجسته ساخت و آرامش بخشی آن را نشان داد و نبایدها و امر و نهی‌ها را در راستای آرامش

بخشی و سعادت آفرینی دین به بحث گرفت .

شروع حرکت در طرح دین بسیار مهم است ، آنچه اکنون گاه در عرصه طرح دین دیده می شود نتیجه ای جز گریز ندارد . در طرح دین الگوبرداری از قرآن بسیار ارزشمند و راهگشاست . در قرآن نخست باور سازی می شود و پس از فراهم آمدن بستر مناسب ، تکالیف و امر و نهی آغاز می شود و سخن از معجزات گفته می شود .

در مرحله دوم باید دین را در برابر ایسم ها و ادیان نوپیدا تقویت کرد ، آرامش بخشی و سعادت آفرینی دین را در مقایسه با دیگر مدعیان بالا برد و روش های نوآمد سعادت آفرینی را مستند سازی کرد و با آن یافته ها نگاهی دوباره و چندباره به دین داشت ، و در هر رفت و برگشت می توان چیزهایی از دین آموخت و بر آموزه ها و راهکارها افزود و هدف مهم و اساسی دین را تحقق بخشید ؛ چنان که در مورد سایر دانش ها نیز نگاه دوباره دریچه های جدیدی فرا روی ما می گشاید .

✽ ناسازگار دیدن علم و دین

بهترین درمان دین گریزی برخاسته از ناسازگار پنداری علم و دین ، پاسخ از موارد ناسازگار است . در موارد ناسازگار ، گاه یافته علمی در سطحی نیست که بتواند در برابر دین ایستادگی کند و ناسازگاری به وجود آورد ، و گاه فهم از دین به گونه ای نیست که ناسازگاری رخ نماید . در این گونه موارد تصور ناسازگاری باطل می نماید . اما اگر یافته های قطعی و علمی نماید و فهمی از دین نیز استوار جلوه کند در این صورت آن فهم خاص از دین را به کمک یافته علمی می توان اصلاح کرد یا ناتمام خواند ؛ چه اینکه در نگاه قرآن ، تمامی موجودات و مخلوقات کلمه خدا هستند و کلمات الهی تنها واژگان قرآن نیستند .

زخرف/ ۲۸

«و جعلها كلمة باقية في عقبه»

«إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بكلمة منه اسمہ المسيح بن مريم»

آل عمران/ ۴۵

«فنادته الملائكة و هو قائم يصلی في المحراب أن الله يبشرك بيحيى مصدقاً بكلمة

آل عمران/ ۳۹

بن الله»

«إنما المسيح عيسى بن مريم رسول الله و كلمته»

«و يريد الله أن يحق الحق بكلماته»

انفال/ ۷

«و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلماته»
 افزون بر این در نگاه قرآن، آیات الهی تنها به آیات قرآن محدود نمی شود، بلکه چنان که بخشهایی از قرآن آیه نامیده می شود (بقره/ ۱۰۶ و آل عمران/ ۷) تمامی موجودات و مخلوقات وهستی نیز از آیات الهی به شمار می آیند.
 بنابراین وقتی ناسازگاری رخ می دهد این ناسازگاری میان فهم ما از یک دسته واژه ها و دریافت و شناخت ما از دیگر آفریدگان (کلمات و آیات الهی) رخ می دهد. با این فرض باید آیه های قرآن ناسازگار با علم را به کمک این آیات و کلمات دوباره فهمی کرد.

به عبارت دیگر نقش این مخلوقات در تفسیر کلمات قرآن مانند نقش آیات محکم در تفسیر آیات متشابه است؛ با این نگاه، آیات محکم بخشی از آیات قرآن و تمامی موجودات و مخلوقات خدا خواهد بود و در این صورت آیات و کلمات محکمی که در بیرون قرآن قرار دارد در هر نوع ناسازگاری قوی تر از آیات و کلمات قرآن هستند، چه اینکه ابزار و آلات ما در دریافت و شناخت موجودات هستی از روش ها و ابزار فهم آیات توان بیشتری دارد. فهم ما از آیات ظنی است، ولی ابزار و آلات علم و روش های آن نتیجه قطعی یا دست کم نتیجه مطمئن تری با خود می آورد.

بنابراین وقتی نشانه ها و قرائن بسیاری از درستی اصل تکامل حکایت دارد، به کمک این اصل می توان به تفسیر و توجیه آياتی پرداخت که ناسازگار با تکامل می نماید. اگر برخی آیات به ظاهر حرکت زمین را بر نمی تابد و خورشید مرکزی را نتیجه می دهد، می توان با آیه و کلمه خدا (حرکت زمین) که محکم می نماید و یک یافته علمی است به توجیه آیات ناسازگار نشست. و اگر از آیه شریفه «الذی جعل لکم الأرض فراشاً» (بقره/ ۲۲) عده ای مسطح بودن زمین را نتیجه گرفته اند، می توان با آیه و کلمه خدا «کروی بودن زمین» به تفسیر دوباره آیات ناسازگار نشست و کروی بودن زمین را نتیجه گرفت.

تقدم یک یافته بر فهمی خاص از دین هر چند ممکن است تزلزل شدیدی در خداشناسی ایجاد کند و تصور ما در مورد خداوند را مخدوش سازد، اما با بازسازی بهینه سازی باورها می توان هم چنان دیندار ماند؛ چنان که در میان دینداران اختلافات شدیدی در مورد خدا و صفات اوست و این اختلافات آنها را از شمار دینداران بیرون نمی سازد. افزون بر این، چنان که عقل در مواردی لزوم پالایش اعتقادات را به وجود

آورده و می‌آورد، علم نیز می‌تواند چنین نقشی داشته باشد و برخی باورها را نادرست نشان دهد و ما را ناگزیر از تجدید نظر در فهماندن نماید. اگر نظریه تکامل، نظم مورد نظر دینداران را زیر سؤال می‌برد، می‌توان هم چنان دینداری را ادامه داد و از روش‌های دیگری خدا را اثبات کرد.

❁ دین‌گزیزی برخاسته از خشونت

در درمان این دین‌گزیزی نخست باید چهره خشن دین را از ذهن دین‌گريزان پاک کرد و دین را آیین مهر و محبت نشان داد. اگر شخص دین‌گريز، خشونت، فشار، تهدید و ارعاب را خود سری والدین، متولیان تعلیم و تربیت و مسئولان بیند؛ و نه خواست دین، گریز او از افراد و برخی جریانات خواهد بود، نه دین.

❁ دین‌گزیزی برخاسته از فقر

اگر رهنمودهای اقتصادی قرآن عملیاتی نشود، بیکاری گسترده شود و درصد بالایی از نیروی کار در شمار بیکاران قرار گیرند و در نتیجه راهکارهای فقرزدایی با انبوه مستمندان و نیازمندان نتیجه ندهد، در این صورت حکومت برای جلوگیری از دین‌گزیزی و دیگر آسیب‌های اجتماعی ناگزیر از ایجاد اشتغال، پرداخت مستمری به بیکاران و بهینه‌سازی و نوسازی اقتصاد است؛ چنان‌که پیامبران در برابر مردم چنین احساسی داشتند و خواستار امنیت جانی و اقتصادی مردم بودند و در این مسیر سختی‌ها و مشکلات را با جان و دل می‌خریدند:

«و إذ قال ابراهيم ربّ اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله من الثمرات» بقره/ ۱۲۶
افزون بر این، حکومت در برابر مستمندان مسئول است و باید با پرداخت مستمری و دیگر پرداخت‌ها و یارانه‌ها از تأثیر فقر بر دین‌گزیزی بکاهد.

❁ دین‌گزیزی برخاسته از محیط و دوستان

زیستن در محیط‌هایی که محصول مهم آن دین‌گزیزی است به آسانی امکان‌پذیر نیست. این محیط‌ها ناخودآگاه افراد را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد و آنها را ناخواسته به سمت دین‌گزیزی می‌برد. در چنین مواردی نخستین مرحله درمان، جداسازی دین‌گريزان از محیط است؛ چه اینکه زیستن در این محیط‌ها درمان را ناموفق می‌سازد و

همیشه دور و تسلسل درمانی به وجود می‌آورد، از درمان فرد به بهسازی محیط، و از بهسازی و درمان محیط به درمان فرد. وقتی فرد درمان شود زیست او در محیط آلوده گرفتاری دوباره در دام دین‌گریزی می‌آورد و درمان محیط و بهسازی محیط با زیست دین‌گريزان در این محیط امکان‌پذیر نیست.

مرحله جداسازی فرد از محیط در آیات قرآن نیز دیده می‌شود؛ مسلمانان از محیط ناسالم مکه هجرت می‌کنند و دین‌گريزان در آخرت به دلیل هجرت نکردن محاکمه می‌شوند و کیفر می‌بینند:

«قالوا ألم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فيها» نساء/ ۹۷

حضرت نوح(ع) نیز برای رهایی فرزند خویش از دین‌گریزی در پی جداسازی او از دوستان ناباب و دین‌ستیز بود:

«و نادى نوح ابنه و كان فى معزل يا بني اركب معنا و لا تكن من الكافرين» هود/ ۴۲

مرحله دوم درمان، پاک‌سازی محیط است؛ در این مرحله نیز جداسازی دین‌گريزانی که آگاهانه به این وادی رفته‌اند از دین‌گريزانی که ناخودآگاه در این آسیب‌گرفتار آمده‌اند ضروری است. دسته نخست با راه‌حلی‌هایی که در مرحله پیش‌گیری و درمان گفته شد درمان‌پذیرند؛ اما دین‌گريزان دسته دوم با جداسازی از محیط به دین‌باوری بر می‌گردند. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱. مورنو، آنتونیو، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ترجمه داریوش مهرجویی، ۹۹.
۲. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ۲/۲۴۳.
۳. همان، ۲/۲۵۰.
۴. احمدی، احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ۳۵.
۵. آیزنبرگ، نانسی، رفتارهای اجتماعی کودکان، ترجمه بهارملکی، ۱۱۱.
۶. همان، ۱۵۲.
۷. گری‌گوری، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ترجمه مهدی تقی‌زاده، ۲۶۳.
۸. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، ۱۴.
۹. یولتون، رابرت، روان‌شناسی روابط انسانی ترجمه حمیدرضا سهرابی، ۲۵.
۱۰. مورنو، آنتونیک، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ۱۰۰.
۱۱. همان.
۱۲. همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ۱۱۷.
۱۳. همان، ۸۶.
۱۴. دین و چشم‌اندازهای نو، مقاله دین و نیازهای فرد، ۱۲۲.
۱۵. یونگ، انسان امروزی در جستجوی روح فرد، ۱۸۲. علوم اسلامی
۱۶. مزلو، ابراهام، ۳۴۷.
۱۷. جان‌اف‌هات، علم و دین، ترجمه بتول نجفی، ۵۹.
۱۸. همان، ۹۱.
۱۹. محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ۷/۳۴۸.
۲۰. گورسکی، ل. پیاتی، مبانی مسیحیت، ۱۸۱.
۲۱. بوکای، موریس، قرآن و عهدین، ۳۴.
۲۲. شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات، ۱۹۹.

